

کابوس پیری در اقتصاد گیگ

پشت ویتترین درخشان اپلیکیشن‌ها و مشاغل انعطاف‌پذیر، بحرانی در حال شکل‌گیری است که می‌تواند نظام‌های رفاهی جهان را با موجی از سالمندان بی‌پشتوانه روبه‌رو کند

یادداشت



کریم مقبلی خراسانی

کارشناس رفاه

رستخیز رفاه در سرزمین فراغنه

امروزه بحران صندوق‌های بازنشستگی و بدهی‌های نجومی دولت‌ها به نظام تأمین اجتماعی به یکی از مخرب‌ترین بمب‌های ساعتی و بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصادی در سراسر جهان تبدیل شده است. اژدهای ناترازی مالی بیش از پیش منابع آینده‌سازان را می‌بلعد و چشم‌انداز دوران سالمندی را تیره می‌کند. با این حال، نگاهی دقیق به تحولات اخیر کشور مصر نشان می‌دهد خروج از این هزارتوی تاریک نه یک رؤیای محال، بلکه با یک جراحی شجاعانه و ساختاری کاملاً امکان‌پذیر است. مصر توانسته با بازطراحی هوشمندانه نظام رفاهی خود، نه تنها بار کج و سنگین صندوق‌های بازنشستگی را به منزل برساند، بلکه در عرصه جهانی به الگویی بی‌بدیل و موفق در مدیریت بحران‌های پیچیده اجتماعی تبدیل شود. جسورانه‌ترین گام دولت مصر برای نجات قطعی نظام تأمین اجتماعی و تسویه بدهی‌های انباشته، تصویب قانون تحول افرین «بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی» معروف به قانون ۱۴۸ بود. دولت برای حل ریشه‌ای معضل ناترازی مالی، از اقدامات موقتی دست کشید و دست به تجمیع بی‌سابقه زد. در این جراحی عظیم، چهار نظام پراکنده، موازی و ناکارآمد بیمه‌ای پیشین کاملاً منحل و در یک ساختار واحد، جابک و قدرتمند ادغام شدند. این یکپارچه‌سازی همان کلید طلایی مصر برای مدیریت کارآمد بدهی‌های دولتی و سدی محکم در برابر جلوگیری از هدررفت و غارت منابع بود. همزمان با این تغییر ساختار بنیادین، برای تضمین استقلال مالی و پایداری صندوق جدید، سازوکار هوشمندانه «واقعی‌سازی دستمزدها» با قدرت به اجرا درآمد. سازمان ملی بیمه اجتماعی مصر در تصمیمی حیاتی اعلام کرد کف و سقف دستمزدهای مشمول کسر حق بیمه باید سالانه و همگام با نرخ تورم افزایش یابد. این اقدام راهبردی باعث شد درآمدهای جاری صندوق همواره با تورم متناسب بماند و توانایی نظام برای جبران کسری‌ها و تسویه دیون گذشته دولت به‌شدت ارتقا یابد. اما این اصلاحات ساختاری شگرف تنها به حوزه بازنشستگی محدود نماند و ابعاد بسیار وسیع‌تری یافت. مصر با اجرای قانون مترقی بیمه سلامت همگانی، گذار تاریخی به نظام یکپارچه و مدرن درمان را نیز کلید زد. مهم‌تر از آن، در قانون جدید کار، چتر حمایت‌های قانونی و حق بیمه بر سر آسیب‌پذیرترین اقشار مدرن (یعنی شاغلان اقتصاد پلتفرمی، فریلنسرها و کارگران اقتصاد غیررسمی) گسترده شد تا با ورود منابع تازه‌نفس، از ایجاد بحران‌های جدید در صندوق جلوگیری شود.

معماری نوین و مستحکم رفاهی مصر خیلی زودتر از انتظار، در برابر بی‌رحم‌ترین شوک‌های جهانی محک خورد. با آغاز بحران ویرانگر اوکراین و جهش بی‌سابقه تورم جهانی مواد غذایی، دولت مصر با تکیه بر همین زیرساخت‌های جدید و کارآمد وارد میدان شد. ماشین رفاهی جدید توانست به‌سرعت صدها هزار خانواده نیازمند را به برنامه‌های حمایتی و نقدی موفق‌ی مانند طرح «تکافل» و «گرمه» بیفزاید و با افزایش هدفمند مستمری‌ها، زلزله تورم را مهار کند. نیست.

امین مازندرانی

روزنامه نگار

“

شعرهای جذاب اقتصاد دیجیتال میلیون‌ها نفر را جذب کرده، اما بسیاری از این شاغلان در نقطه کور بیمه ایستاده‌اند



گزارش تکان‌دهنده «نگاهی به حقوق بازنشستگی در سال ۲۰۱۹» که از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) منتشر شده، پرده از فاجعه‌ای خاموش اما به‌شدت ویرانگر برمی‌دارد. در روزگاری که تبلیغات پرزرق‌وبرق سیلیکون‌ولی و غول‌های فناوری، جوانان را با شعرهای فریبنده‌ای چون «رئیس خودت باش»، «ساعات کاری را خودت انتخاب کن» و «آزادی بی‌نهایت» به سمت استقلال شغلی و کار در پلتفرم‌های آنلاین سوق می‌دهند، این سند معتبر بین‌المللی هشدار تاریخی می‌دهد: دنیای کار با سرعتی سرسام‌آور در حال دگرگونی است و ما برای پیامدهای آن آماده نیستیم. امروزه شکافی عمیق میان امنیت شغلی کارکنان سنتی و واقعیت‌های تلخ «اقتصاد پلتفرمی» شکل گرفته است. کارکنان رسمی در ساختارهای سنتی معمولاً زیر چتر حمایتی بیمه‌های اجباری، مرخصی‌های استعلاجی، پاداش‌ها و از همه مهم‌تر صندوق‌های بازنشستگی قرار دارند. اما در سوی دیگر، لشکری از فریلنسرها، رانندگان تاکسی‌های اینترنتی، پیک‌های موتوری، دورکاران و کارگران پروژه‌ای حضور دارند؛ همان کسانی که شریان‌های حیاتی شهرهای مدرن را زنده نگه داشته‌اند و اقتصاد مبتنی بر تقاضا را به پیش می‌رانند. این ارتش نامرئی در نقطه کور نظام‌های حمایتی دولت‌ها رها شده است. آنان در منطقه‌ای خاستری فعالیت می‌کنند که هیچ تضمینی برای دوران سالمندی، بیماری یا

از کارافتادگی‌شان ارائه نمی‌دهد. گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به‌صراحت هشدار می‌دهد که تداوم این روند، جهان را به سمت فقر گسترده و نظام‌مند در دوران سالمندی سوق خواهد داد.

دامپینگ اجتماعی گزارش سازمان انگشت اتهام را به سمت پلتفرم‌های دیجیتال نشانه می‌رود و تأکید می‌کند که بسیاری از این غول‌های فناوری در عمل به ماشین‌های بی‌رحم «دامپینگ اجتماعی» تبدیل شده‌اند. دامپینگ اجتماعی به معنای رقابت ناعادلانه از طریق کاهش هزینه‌های نیروی کار به سلوچی پایین‌تر از استانداردهای قانونی و انسانی است. این شرکت‌ها با بهره‌گیری از خلأهای قوانین کاری که متعلق به دوران انقلاب صنعتی هستند، نیروی کار ارزان را به خدمت می‌گیرند. در این ساختار معیوب، تمام ریسک‌های ناشی از بیماری، از کارافتادگی و سالمندی بر دوش کارگر قرار می‌گیرد، برای درک بهتر ابعاد بحران، گزارش به سیاست‌های مالیاتی کشورهایمانند هلند و ایتالیا اشاره می‌کند. در این کشورها، معافیت‌های مالیاتی که در ابتدا برای تشویق کارآفرینی و خویش‌فرمایی طراحی شده بود، به ابزاری در دست پلتفرم‌ها تبدیل شده تا کارگران را به سمت اشتغال بی‌ثبات سوق دهد. این مشوق‌های مالیاتی عملاً کارفرمایان

کالبدشکافی یک فریب فاجعه زمانی پیچیده‌تر می‌شود که پهای منافع کلان شرکت‌های بزرگ به میان می‌آید. این گزارش با دقتی موشکافانه پدیده‌ای به نام «خویش‌فرمایی کاذب» را زیر ذره‌بین می‌برد. این پدیده ترفندی حقوقی است که به‌واسطه آن شرکت‌ها و پلتفرم‌ها برای فرار از پرداخت سهم کارفرما در حق بیمه، مالیات نیروی کار و سایر هزینه‌های تأمین اجتماعی، کارکنان تمام‌وقت خود را قالب «پیمانکار مستقل» یا «شریک تجاری» طبقه‌بندی می‌کنند. آمارهای ارائه‌شده در این سند توجه هر تحلیلگر اقتصادی را جلب می‌کند. میانگین سهم کارگران کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که در عمل تنها به یک مشتری یا پلتفرم وابسته‌اند، حدود ۱۶ درصد است. این بدان معناست که نزدیک به یک‌ششم نیروی کار در وضعیتی متزلزل قرار دارد. بحران در برخی کشورها ابعاد نگران‌کننده‌تری پیدا کرده است؛ برای نمونه، در جمهوری اسلواکی این رقم به ۲۹ درصد می‌رسد. این کارگران نه استقلال واقعی صاحبان کسب‌وکار دارند، زیرا

آزادی طلایی یا بردگی الگوریتمی؟

دو مکتب اقتصادی در برابر یکدیگر صف کشیده‌اند؛ یکی از آزادی می‌گوید و دیگری از استثمار دیجیتال

امروزه در محافل دانشگاهی و راهروهای سیاست‌گذاری جهان، تقابلی نفس‌گیر بر سر ماهیت پلتفرم‌های گیگ در جریان است؛ دوئلی تمام‌عیار میان دو جبهه فکری اقتصاددانان؛ تقابلی که نه فقط بر سر واژه‌ها، بلکه بر سر آینده رفاه، بازنشستگی و بقای طبقه کارگر در قرن بیستم‌ویکم شکل گرفته است.

جبهه راست و رویای «آزادی طلایی»

در یک سوی میدان، اقتصاددانان نئوکلاسیک، لیبرال‌ها و مدافعان بازار آزاد ایستاده‌اند. آنان اقتصاد گیگ را اوج تکامل بازار کار و نماد رهایی فرد از قیدوبندی‌های بوروکراسی سنتی می‌دانند. از نگاه این گروه، پلتفرم‌ها همان عصای جادویی هستند که انحصار کارفرما را شکسته‌اند.

استدلال جبهه راست بر پایه «انعطاف‌پذیری» و «انتخاب عقلایی» استوار است. آنان می‌گویند کارگر پلتفرمی دیگر اسیر ساعت‌های کاری ثابت نیست؛ او انتخاب می‌کند چه زمانی، کجا و چه میزان کار کند. اگر دانشجویی بخواهد تنها در آخر هفته‌ها کار کند تا هزینه تحصیل خود را تأمین کند، چرا باید در چارچوب سخت و سنتی قوانین کار قرن بیستم محصور شود؟ وقتی پای تأمین اجتماعی و بازنشستگی به میان می‌آید، راست‌گرایان با مداخله دولت و اجباری شدن پرداخت حق بیمه به‌شدت مخالفت می‌کنند. آنان معتقدند کسر حق بیمه از درآمد این افراد به

تأمین اجتماعی هستند. کارگرانی که امروز جوانی و توان خود را در خیابان‌ها و پشت مانیتورها صرف می‌کنند، بدون پرداخت مستمر حق بیمه، فردا ممکن است به سالمندانی بدون مستمری و پشتوانه مالی تبدیل شوند. هنگامی که این جمعیت گسترده به سنین سالمندی برسد، چه کسی هزینه زندگی آنان را تأمین خواهد کرد؟ پلتفرم‌هایی که سودهای کلان خود را سال‌ها پیش کسب کرده‌اند یا دولت‌ها و مالیات‌دهندگان که ناچار خواهند شد بار این فقر انباشته را بر دوش بکشند؟

سرانجام نزاع ناتمام

دوئل بر سر اقتصاد گیگ در واقع نبردی بر سر آینده قراردادهای اجتماعی است. مدافعان بازار آزاد از جهانی سخن می‌گویند که در آن کارآفرینان مستقل نیازی به چتر حمایتی دولت ندارند. در مقابل، منتقدان تصویری پادآرمان‌شهری ترسیم می‌کنند که در آن سالمندان برای تأمین حداقل معیشت، ناچارند تا واپسین سال‌های عمر به کار ادامه دهند. واقعیت آن است که پلتفرم‌ها قواعد بازی را تغییر داده‌اند و نظام‌های سنتی تأمین اجتماعی که بر مبنای اشتغال تمام‌وقت و کارخانه‌ای طراحی شده بودند، دیگر پاسخگوی جهان متحول امروز نیستند. تازمانی که این دوئل به راه‌حلی ساختاری نرسد، راه‌حلی مانند صندوق‌های بازنشستگی منعطف یا الزام پلتفرم‌ها به پرداخت سهمی متناسب از حق بیمه، میلیون‌ها کارگر پلتفرمی همچنان بر طنابی باریک گام خواهند زد؛ طنابی که در انتهای آن، تور نجاتی به نام بازنشستگی وجود ندارد.

آینده‌نشان خواهد داد که آیا اقتصاد دیجیتال دروازه‌ای به سوی آزادی و رفاه بوده است یا تله‌ای هوشمندانه برای استثمار کارگران قرن جدید.